

بسم الله الرحمن الرحيم

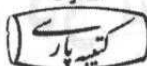
خون در سیلاب

ساره بردبار



سرشناسه : بردبار، ساره، ۱۳۶۱-
 عنوان و نام پدیدآور : خون در سیلاب/ ساره بردبار.
 مشخصات نشر : تهران: کتیبه پارسی، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۱۳۸ ص.
 شابک : 622-667233-7۹۷۸-
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 موضوع : نشر فارسی — قرن ۱۴
 موضوع : Persian prose literature -- 20th century
 ه بندی : ۸۳۳۵PIR
 رشناسی دیوید : ۸۵/۲۶۸۸
 شماره شناسه ملی : ۶۱۶۱۸۸۷

انتشارات



تهران، خ انقلاب، منحررازان، ک اسلامی، ک فراهانی، ک یکم، پ ۲،

کدپستی: ۲۸۷۲۹۱۳ | Katibe.parsi.1393@gmail.com

فروشگاه اینترنتی: www.katibeparsi.com

تلفن ناشر و مرکز پخش ۱: ۰۲۱-۶۶۴۰۹۴۲۰ و ۰۹۱۹۳۸۰۶۳۸ و ۰۲۱-۲۳۰۰۰۵۳

مرکز پخش ۲: موسسه گسترش فرهنگ و معارف

نشر: کتیبه پارسی

ناشر: ساره بردبار

طرح جلد: ساره بردبار

نویسنده: ساره بردبار

چاپ و صحافی: روز نوبت چاپ اول، مرداد ۱۹۹۹، تهران، ۲۰

هر گونه کپی برداری، تکثیر کلی یا جزئی از مطالب کتاب و

طرح جلد، بدون اجازه کتبی ناشر پیگرد قانونی به همراه دارد.

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

خداوند در قرآن کریم فرموده است:

هر انسانی را باحق که عهه شود، گویی همه‌ی بشریت کشته شده‌اند.^۱

روز پنجم فروردین ۹۸ درست در روزهایی که موسم بهار همه‌ی شهر را فرا گرفته بود. رحلت نه عده‌ای در رفت و آمد سال نو و تعدادی مسافر مثل هر سال در حال وارد شدن به شهر شیراز بودند، ناگهان حادثه‌ای رخ داد که هیچ‌کس انتظارش را نداشت. حوالی ظهر بود. باران شدیدی چون تازیانه می‌بارید و با این وجود تا آن لحظه همه چیز در آرامش بود. اما درست دقایقی بعد، آن اتفاق شوم رقم خورد. گویی رودی سرکش طغیان کرده، چون بند بریده‌ی سیلاب، هر چه بر سر راهش بود را در خود می‌بلعید. ماشین‌های ورودی و خروجی شهر، در زیر طاق دروازه قرآن؛ چون تکه‌های آهن نرم در هم فرو می‌رفتند و وازگون می‌شدند و برخی در لابه‌لای ماشین‌های مچاله‌شد، در بحال راه نجات خود بودند. این یک اتفاق معمول و تنها حاصل شدت باران نبود و چون موج مرگ‌باری پس از مدت زمان کوتاهی فروکش کرد، با این اوصاف می‌شد آن‌جا را از وجود خودروهای مسافران و سایر خودروها خالی کرد و به مردم تذکرات لازم را داد تا این فاجعه رخ

ندهد! در حالی که مسئولان می‌دانستند دروازه قرآن شیراز خصوصاً در ایام نوروز شلوغ‌ترین روزهایش را سپری می‌کند. در این حادثه‌ی مظلومانه و تلخ ۲۱ نفر جان خود را از دست دادند و تعداد زیادی زخمی و ماشین‌ها و اموالشان تخریب و مفقود و متضرر شدند.

پدرم یکی از آن ۲۱ مظلوم از دست‌رفته بود؛ مرواریدی غلطان در حاشیای راه. دا خراش سیل ۹۸ که هرگز کسی از چند و چون دقیق اتفاقاتی که در آن لحظات برایش رخ داد مطلع نشد و این راز همیشه سر به مهر باقی ماند...

داغ فراموش‌ناشدنی زندگیم که در این حادثه‌ی انسانی جام ابدیت را در مقام پاک شهدا شرب کرد.

باشد که چشمان پاک مهرانش از سر رضایت بر خطوط و صفحات این دفتر جاری گردند و روح اندمایه‌اش در جوار انبیا و اولیای الهی محشور گردد.

پدرم محمد کریم بردبار مردی متین و معتقد بود. همیشه در خواندن نماز اول وقت بر دیگران پیشی می‌گرفت.

گرچه بر اثر اتفاقات و عوامل متعدد، دوران کودکی سخت و مشقت‌باری را پشت‌سر گذاشته بود، اما هرگز شیوه و سبک‌های نمی‌کرد. ویژگی بارزی که در او همواره در اوج بود، ایستادگی و استقامتش در لحظات پرتلاطم روزگار و عزم راسخش در پیش‌روی به سمت اهداف و خواسته‌های قلبی و معنویش بود. او گاهی برایمان از علاقه و محبتی که به مادرش داشت حرف می‌زد و همیشه از او به نیکویی و بزرگواری یاد می‌کرد. با وجود قلب رئوف و مهربانس همواره در کلام و کردار اقتدار و صلابت خاصی داشت.